

ابراهیم در آتش

ابراهیم حاتمی کیا کارگردانی است که جنگ را جور دیگری می بیند

مدافع رزمندگان

سال ۷۰ و در روزهایی که جنگ به پایان رسیده، حاتمی کیا تصمیم می گیرد و چپ تاز را رزمندگان را به نمایش بگذارد. او سکوت در برابر برخی بی انصافی ها را جایز نمی دانست و با ساخت «وصل نیکان» گوشه ای از جان فشانی رزمندگان در دوران جنگ را روایت کرد. داستان او اشاره ای است مستقیم و در عین حال پر از دلخوری؛ آینه ای است از شهرهای خالی که «دیگران» رفتند اما رزمندگان ماندند و جلوی دشمن سینه سپر کردند. حاتمی کیا زبان رزمندگان است و حرف ها دارد. پس، سال ۷۱ «از کرخه تا راین» را می سازد و راوی شرایط سخت بازمانده های جنگ می شود. سعید به خاطر بمب های شیمیایی دوران جنگ نابینا شده و برای درمان در آلمان به سر می برد. او مداوا می شود اما بیماری بدتر یعنی سرطان خون چالش جدید است. سعید در غربت شاهد دل خوری یکی از هم رزمان هم هست و غمش دوچندان می شود. سکانس فریادهای او کنار رودخانه راین هنوز دل مخاطب را به خاطر مظلومیت بچه های جنگ به درد می آورد.

دلهره های آزادی

یک سال بعد، دوربین حاتمی کیا به خارج از کشور می رود تا داستانی از دل جنگ بوسنی را روایت کند. «خاکستر سبز» فیلمی متفاوت و البته دوست داشتنی است. او پس از مدت کوتاهی وقفه، سراغ «بوی پیراهن

و «تربت» تمرین جدی برای جوانی است که «دغدغه» دارد و می خواهد حرف هایی متفاوت بزند.

کارگردانی متولد می شود

سال ۶۵، حاتمی کیا اولین فیلم خود را می سازد: «هویت». او چهره ای نا آشنا است و فیلم با وجود ویژگی های مثبت مورد توجه قرار نمی گیرد. حاتمی کیا در این فیلم دست روی سوژه ای خاص می گذارد و به تحول جوانی می پردازد که پس از تصادف کنار مجروحان جنگی بستری می شود. کارگردان میزانشنی طراحی می کند که چون یک دادگاه حرف ها زده می شود و مخاطب به قضاوت می پردازد. حاتمی کیا نشان داد می خواهد به شیوه اقلیتی، از آدم های جنگ دفاع کند و در عین حال بگوید هر کس با آن ها هم نشین شود، دنیایی جدید پیش روی او قرار می گیرد. نقطه عطف اول کارنامه حاتمی کیا سال ۶۷ و ۶۸ با ساخت «دیده بان» و «مهاجر» رقم خورد. او در اولی ضمن تصویر واقعی دشمن که تا دندان مسلح است، ایثار و شهادت رزمندگان را به تصویر می کشد و در دومی فضایی مهیج اما معنوی پیش روی مخاطب قرار می دهد. به یاد بیاورید سکانس پایانی فیلم و شهادت شخصیت علی را؛ جایی که اسد پلاک ها را به پهلایان آویزان می کند و به دل دشمن می زند. رقص پلاک ها تمجید منتقدان را به همراه داشته و سکانس شهادت را مانا کرده است.

احمد رنجبر

منتقد

در دوران پرتلاطم نوجوانی، «ابراهیم حاتمی کیا» مثل خیلی های دیگر آرزوها برای آینده خود در سر داشت. نقشه ها کشید و کارها کرد اما خیلی زود پی برد جادوی سینما او را تسخیر کرده است و جز فیلم سازی چیزی دیگر روح سرگشته اش را آرام نمی کند. تقید مذهبی خانواده اما مانعی بزرگ سر راهش بود؛ تا جایی که به سختی می توانست فیلم ها را روی پرده سینما تماشا کند. انقلاب که پیروز شد، ورق برگشت و حاتمی کیا با طیب خاطر سراغ علاقه مندی اش رفت. هم زمان کشور مورد حمله قرار گرفت و او نیز از خاکریزها سردرآورد. برای ذهن کنجکاو و چشم نافذ ابراهیم چه سوژه ای دراماتیک تر از صحنه ها و آدم های جنگ؟

جادوی ۸ میلی متری

حاتمی کیا، جزو کارگردان هایی است که به شکل غریزی با هنر سینما آشنا شد. هر چند بعدها به طور آکادمیک بر دانش خود افزود. ساخت فیلم های کوتاه هشت میلی متری و ۱۶ میلی متری سر آغاز فعالیت سینمایی اوست که فارغ از کیفیت کارگردانی، نوع نگاه متفاوت به جنگ و آدم هایش اهمیت دارند. فیلم هایی چون «طوق سرخ»، «صراط»

پرویز پرستویی



■ تعداد همکاری:
۵ فیلم و یک سریال
■ نام فیلم ها: آژانس شیشه ای، روبان قرمز، موج مرده، به نام پدر، بادبگارد و سریال خاک سرخ

«پرستویی» بازیگری است که حاتمی کیا بیشترین همکاری را با او داشته است. او بازیگری مطرح بود که با پیشنهاد بازی در «آژانس شیشه ای» مواجه شد. او در این فیلم درخشان و سیمرغ فجر را به دست آورد. این اتفاق برای «به نام پدر» و «بادبگارد» تکرار شد و پرستویی به سیمرغ رسید. «روبان قرمز» و «موج مرده» دو همکاری موفق و تحسین شده پرستویی و حاتمی کیا هستند. با این حال، نقش حاج کاظم در کارنامه او یگانه است.

مریلا زارعی



■ تعداد همکاری: ۴ فیلم
■ نام فیلم ها: دعوت، گزارش یک جشن، «چ» و بادبگارد

«مریلا زارعی» در چهار فیلم سینمایی مقابل دوربین ابراهیم حاتمی کیا رفته است. «دعوت» سر آغاز این همکاری، در دوره ای رقم خورد که مریلا زارعی بازیگری مطرح و صاحب تجربه بود. او در یکی از ایبرودهای «دعوت» عملکردی درخشان داشت و یکی از بازی های خوب فیلم را به نام خود زد. دومین همکاری یعنی «گزارش یک جشن» فرجامی خوب نداشت و فیلم اکران عمومی نشد. عملکرد زارعی اما در این فیلم قابل دفاع است.

حبیب رضایی



■ تعداد همکاری:
۳ فیلم و یک سریال

همکاری «حبیب رضایی» با ابراهیم حاتمی کیا فراتر از بازیگری است و در قالب های دیگر مثل دستیار کارگردان و بازی گردان شکل گرفته است. نخستین بار، حاتمی کیا از رضایی در فیلم «آژانس شیشه ای» دعوت به همکاری کرد و نقش عباس را به او سپرد. این نقش جزو تجربیات خاص کارنامه رضایی است که به خاطر آن برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد هم شد. سریال «خاک سرخ» آخرین همکاری رضایی و حاتمی کیا است که علاوه بر انتخاب بازیگر، مقابل دوربین هم رفت.

